نگاهی به «پابرهنه تا ماه» و «رمادی ۹» از رضا کاظمی و یارمحمد عرب عامری

روزهای اسارت و ماه!

[شمس‌الدین باختری]

یک

«شعر جنگ» از آغاز زایش خود تاکنون، مسیری پرپیچ و خم اما «گویا» و قابل فهم را پشت سر گذاشته. ابتدا، تنها فریاد کشیدن بود و به قول زنده‌یاد سیدحسن حسینی «وقتی دست لای در مانده فقط می‌توانی داد بکشی!»

بعد، «در جنگ» باز شد و به تعمق رسید و این که چرا «در» چرا «لای درماندن دست» چرا «دست و احساس درد» ؟ پیش آمد. دنبال جواب گشتن، از اواسط دوره هشت ساله جنگ شروع شد و هر چه به تابستان ۶۷، نزدیک و نزدیک‌تر شدیم، جواب ها عمیق‌تر شد و سؤال ها کم‌رنگ‌تر! جنگ که تمام شد، جواب ها فقط مانده بود بی هیچ سؤالی و «شعر جنگ» که حالا «شعر دفاع مقدس» نامیده می شد رنگ و بوی عاطفی‌تری گرفت و به مهروزی ها، نزدیک‌تر. این مسیر را دیگران نیز در جنگ های دفاعی خود پیموده بودند و شاعران ایرانی، نه مسیری عجیب را برگزیدند و نه اندیشه‌ای غریب را؛ تنها «غزوه های صدراسلام که «کهن الگوی شعرهای آغازین دهه شصت بود [و بر چکاچک شمشیرها تأکید داشت با انگیزه های بشدت آئینی] اندک اندک به «کهن الگوی فاجعه «کربلا» بدل شد و استعاره ها، رنگ و رویی معصومانه‌تر و مظلومانه‌تری گرفتند چرا که دیگر نیاز نبود در هنگامه ای که یک ایران بود و کل جهان، از امکانات نظامی به واقع هیچ خود داد سخن بدهیم برای روحیه بخشی به مردم؛ مردم می دانستند که غیر از «غیرت» چیزی در کف نداریم و همان است که بدل به فتح «فاو» می شود و تقاضاهای مکرر از سوی دولت های منطقه‌ای خاورمیانه که «ما خسارت می دهیم بس کنید این پیشروی را!»

پس از جنگ، «کهن الگوی شهادت مظلومانه و صبر شاهدان به جا ماندن، کم کم تمام «شعر دفاع» را دربرگرفت و به نشانه های ادبی هم تسری یافت؛ «پلاک» و «استخوان های بازگشته» که نشانه شهید تازه یافته بود و انتظار مادران و خواهران و همسران و فرزندان، وجه تراژیکی به «شعر دفاع» داد که تا به امروز ادامه دارد و دائم در حال تکثیر است و «تکثر اندیشه» هم آورده و می آورد. کتاب «پابرهنه تا ماه» هم در همین «گونه فکری» قابل ارزیابی است،

می خواهد عاطفی باشد و تأثیرگذار اما در آن «عینیت» غایب است: «تو آمده ای / کسی خانه نیست / بهار آورده ای / و عطر خوش نسیم، اما / ما هنوز / پائیز را / شماره می کنیم!»

شعرهایی از این دست، گیرم که توانایی تأثیرگذاری عاطفی را هم داشته باشند با این همه نه برمکان، نه بر زمان، نه بر واقعه ای که مورد اتفاق نظر اکثر خوانندگان باشد، تأکید نمی کنند سهل است مدرکی دال بر «منظر» اصلی شاعر، ارائه نمی دهند. نمی توان با چند یادداشت کوتاه که پیش از شعرها، می آید تکلیف «شعر دفاع» بودن یا نبودن آن را روشن کرد چون «حادثه جنگ» یا حادثه پس از جنگ با نشانه هایش در آن غایب است و در نتیجه شعر، شامل هر نوع گزاره معنایی و عاطفی دیگری غیر از «دفاع» هم می شود. شک دارم که حتی شعرهایی از این دست: «تو/ از خط گلوله و باروت گذشتی/ و آن سوی خط / پرنده ای سپید/ تا آسمان پرید/ خورشید شد/ بر زمین تابید/ تو از خط سرب و خاکستر گذشتی/ و آن سوی خط / گل سرخی / خودش را به آسمان پاشید / بذر هزار آینه شد / برزمین بارید / حالا چه قدر نشاء گل سرخ که آینه!/ چه قدر نهال آینه که خورشید!/ چه قدر مزرعه خورشید که پرنده!؛ خط مرز مشخصی با شعرهای روزگار پیش از ۵۷ یا ترجمه های شعرهای مقاومت فلسطین داشته باشند و بر جغرافیا، زمان، جنگ یا آدم های مشخصی تأکید کنند و وقایع مورد نظر شاعر را روشنی بخشند. دروافع، شسته رفته گویی نیست که یک شعر را در ذهن خواننده ماندگاری می بخشد بلکه همان جغرافیا و وقایع و زمان مشخص است که بر شعرخوانان مؤثر می افتد و حسی عاطفی میان آنان و وقایع مورد نظر شاعر [منظر مورد نظر شاعر] ایجاد می کند. کاظمی از این نظر، نه موفق است و نه توانایی آن را دارد که روایتگر بخش ناگفته تاریخ کشورش ـ که به اشتباه گمان می رود بسیار درباره اش گفته شده ـ باشد. تسلط نسبی او بر ابزار کارش، درخور تمجید است اما او متولد ۱۳۴۹ است و این سن با چنین دستاوردهایی، تناسب کیفی ندارد!

دو

«تا از جا بلند شدم، سرباز عراقی که با فرمانده اش جلوی چشممان سبز شده بودند، سرکلاش را به طرفم گرفت و یک خشاب را به طور کامل خالی کرد. شاید زنگی من، شاید هم دست تقدیر باعث شد که حتی یک گلوله به من نخورد. تازه تغییر حالت داده و ایستاده بودم، تا متوجه سرباز عراقی شدم که قصد جانم را کرده، بی سیم را میان هوا رها کردم پخش زمین شدم. گلوله های آن سرباز بیچاره هدر رفت.

فرمانده عراقی به من اشاره کرد و چیزی گفت. فهمیدم باید از جا بلند شوم. سرباز عراقی که سری قبل ناکام شده بود، خشایش را عوض کرد. خواست شلیک کند که مافوقش مانع شد.

ساعت یک بعد از نیمه شب برای تکبیر گفتن پشت خاکریزها رفته بودیم و حالا ساعت هشت و نیم صبح روز بیست و چهارم اردیبهشت سال ۶۵ شده است.

بر دستمان دستبند زده اند. به داخل کانال پشت خاکریز هدایت شده ایم. هفت ساعت داشتیم با مرگ دست و پنجه نرم می کردیم. دهانمان تلخ شده بود. جابه جا شدن زبان در دهان آنقدر دشوار بود که احساس می کردیم که انگار سوهان به جدار دهانمان می کشند!

با فاصله کمی از هم نشسته بودیم. سربازان عراقی با تمام قهرشان بالای سرمان ایستاده بودند.

وقتی زیرچشمی به آنها نگاه می کردیم، عمق کینه شان را می فهمیدیم. منتظر کوچکترین حرکتی از جانب ما بودند تا گلوله هایشان را به سینه هایمان بنشانند. نمی دانستیم چه سرنوشتی برایمان رقم خورده است. هر لحظه حدس می زدیم که دیگر کارمان ساخته است. دلواپسی داشت پدرمان را درمی آورد.

خداخدا می کردیم که عراقی ها هر چه زودتر ما را ببرند. تویخانه خودمان فعال شده بود و شدیداً روی همین کانال و خاکریزی که ما پشتش بودیم، آتش می ریخت.»

(رمادی ۹) مجموعه خاطرات اسماعیل قیومی است که بی سیم چی بوده و در پاتک نیروهای صدام، در سال ۶۵ در منطقه حاج عمران اسیر شد و پس از چهار سال سه ماه و ده روز اسارت، در سوم شهریور سال ۶۹ با اسرای عراقی مبادله و به وطن بازگشت. این خاطرات توسط یارمحمد عرب عامری، بازنویسی شده با ویراستاری اصغر استاد حسن معمار و پس باید، بسیار شسته رفته‌تر از «خاطرات خامی» باشد که به طور معمول، با رفت و بازگشت های روایی متعدد، متن را «ساختارگریز» می کنند. احتمالاً بنای نگارش این گونه آثار هم بر همین شسته رفته نویسی بوده اما «کنش مندی» متن، درآن تا حد زیادی از دست رفته است. «روایت خطی» در «رمادی ۹» جنبه های مثبت اش را از «متن» دریغ کرده است شاید به این دلیل که حوادث، چندان به «خورد هم» نمی روند. «بازنگار» این خاطرات ممکن است معترض شود که خاطره، داستان نیست و نباید چندان دربند این گونه مسائل بود اما چنان که همه می دانیم، حوادث در جهان واقعی، بیشتر به هم وابسته اند تا در جهان داستانی! در جهان داستانی، به دلیل کوشش نویسنده در «واقع نمایی متن» و کوشش برای رسیدن به «متنی معماری شده»، بخش هایی از واقعیت حذف می شود و بخش های دیگری از تخیل به آن افزوده می شود تا «فشردگی زمان داستان» ممکن شود اما در خاطره نویسی، تا حد زیادی دست نویسنده باز است تا از «علت و معلول های واقعی» برای رسیدن به «زمان واقعی» استفاده ببرد؛ شاید به همین دلیل، بهترین «زمان» پیشنهادی برای «فعل» های چنین متنی، «زمان حال» است که به متن طراوت می بخشد و آن را «زنده‌تر» جلوه می دهد. بگذاریم بخشی را که پیش از این خواندیم با همین تغییر زمان ساده، از نو بخوانیم:

«تا از جا بلند شوم، سرباز عراقی که با فرمانده اش جلوی چشممان سبز شده اند، سرکلاش را به طرفم می گیرد و یک خشاب را به طور کامل خالی می کند. شاید زرنگی من، شاید هم دست تقدیر باعث می شود که حتی یک گلوله هم به من نخورد و این بعد از آن است که تازه تغییر حالت داده ام، ایستاده ام و متوجه سرباز عراقی شده ام که قصد جانم را کرده و بی سیم را ناگهان میان هوا رها کرده ام و پخش زمین شده ام؛ و گلوله های آن سرباز بیچاره هم هدر رفته!»

به گمانم کار «بازنگار» تنها حذف حواشی نالازم از متن خاطرات نباشد و به زیبایی متن نهایی نیز باید توجه کند. «عرب عامری» تنها متن را «ساده» می کند حاضر از این جذابیت فراوری نمی کند و در مرز ساده نگاری های «دوران جنگ می ماند یعنی در مرز همان دست متن هایی که از نوارها پیاده می شد و بازنویسی می شد و آرشیو، در اواسط دهه شصت و در ساختمان شهید امانی تهران که عراقی ها فکر می کردند یک مرکز طرح و برنامه جنگ است و چند دفعه در طول موشک باران تهران، خواستند با موشک بزنندش اما نتوانستند!

آن موقع که زمانه ضرورت بود و تعجیل و به سامان کردن خاطرات برای انتقال به نسل آینده، البته آن متن ها هم پذیرفتنی بودند اما حالا ... به نظرم کمی باید بر جذابیت این متن ها افزود چرا که نسل حاضر برای درگیر شدن با «متن» خیلی سختگیر است!

ادامه دارد

فتح المبین دشت عباس

[حسین ابوالفتحی]

از سلسله مطالب «راهیان نور» این بار به «دشت عباس» رفته ایم و عملیات فتح المبین. عملیاتی که هم با این ایام تناسب دارد و هم دستاوردش عیدی بزرگی بود به اسلام و مردم ایران.

(شهید امیرصیاد شیرازی فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش در خاطراتش می گوید: «مقداری که گذشت، مشکلاتی در طرح عملیات پیش آمد، بچه های سپاه به شدت معتقد بودند که عملیات را باید از چهار محور: عین خوش، پل نادری، شوش و رقابیه به طور همزمان شروع کنیم، بنابراین باید چهار تا سازمان دهی داشته باشیم و چهار تا قرارگاه تشکیل شود و عملیات هدایت شود، بچه های ارتش می گفتند اگر از چهار محور عملیات را انجام دهیم این خطر هست که در برخی محورهای عملیاتی پیشرفت خوبی داشته باشیم ولی نیرو کم بیاید و نتوانیم ادامه دهیم یا در مواقعی که اوضاع خراب می شود و نیرو زیاد داریم اصلاً نخواهیم جلو برویم که کارمان ناقص می ماند بنابراین منطقی است که تمرکز نیرو را از دو محور بدهیم و در دو مرحله برسیم به کل اهداف عملیات. بحث های زیادی شد از نظر علمی بچه های ارتش درست می گفتند و از نظر تخصصی حرف شان درست بود و با روحیه ای که در جلسه بود می دیدیم این روحیه متناسب بچه های سپاه نیست، چون آنها برای نبرد انگیزه داشتند و ما با انگیزه آنها هماهنگ می شدیم، چون از نظر فرماندهی توافق بین من و فرمانده سپاه شرط بود، گفتم اشکال ندارد . ما می توانیم از این طریق جلو برویم.»

این چنین بود که عملیات بزرگی طراحی شد که تا آن روز در تاریخ جنگ تحمیلی عراق به ایران سابقه نداشت. هدف از این عملیات که چهار مرحله داشت عقب راندن دشمن در جبهه های غرب دزفول و شوش بود و قرار براین شد که در مرحله نخست ارتفاعات شرقی دشت عباس (بلندی های جوفینه، بلتاو شاوریه) را در شمال، تپه ابوصلیبی خات را در مرکز و تنگه رقابیه را در غرب این منطقه تصرف کنند. مرحله دوم نیز معطوف به باز پس گیری منطقه «عین خوش» ارتفاعات تینه و غرب چنانه بود. هدف مرحله سوم، پیشروی تا ارتفاعات استراتژیک دوسلک و هدف آخرین مرحله تصرف منطقه برقاره در ارتفاعات مبشداغ استقرار نیروها بر روی خطوط مرزی در فکه ـ العماره و تأمین نوار مرزی بود.

در آستانه این عملیات بزرگ، اولین لشکر سپاه پاسداران با نام «لشکر انصار» با استعداد مکانیزه دو تیپ ۷ ولیعصر(عج) و ۲۷ محمد رسول الله(ص)به فرماندهی «حسن باقری» شکل گرفت. «احمد متوسلیان» - فرمانده تیپ ۲۷ محمد رسول الله(ص) هم با حفظ سمت به فرماندهی قرارگاه تاکتیکی لشکر نصر منصوب شد.

سپاه پاسداران همزمان با تشکیل لشکر نصر سه لشکر رزمی دیگر را نیز برای ورود به عرصه نبردی که تا آن زمان «کربلای ۲» نامیده می شد ایجاد کرد. این یگان ها عبارت بودند از : لشکر فتح، لشکر فجر، لشکر قدس.

ادامه دارد

آگهی مناقصه عمومی

شرکت سیمان فارس نو (سهامی عام) در نظر دارد عملیات آماده‌سازی، باطله‌برداری و استخراج معادن کارخانه سیمان فیروزآباد فارس با حجم عملیات استخراجی سالیانه بالغ بر دو میلیون تن (۲۰۰۰۰۰۰ تن) را به پیمانکار واجد صلاحیت واگذار نماید. لذا از کلیه پیمانکارانی که مایل به شرکت در این مناقصه بوده جهت دریافت اسناد دعوت می‌گردد پس از واریز مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال (۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال) به حساب ۷۳۹۰۵ بانک تجارت شعبه دکتر فاطمی شیراز و ارائه قبض واریزی حداکثر ظرف مهلت ۳ روز از تاریخ درج آخرین آگهی به نشانی‌های ذیل مراجعه نمایند:

شیراز، خیابان شوریده شیرازی- مقابل داروخانه ولیعصر، کوچه ۶، پلاک ۳۶، امور قراردادهای شرکت سیمان فارس نو. تلفن: ۲۳۰۸۶۴۴-۰۷۱۱

تهران، انتهای خیابان سید جمال‌الدین اسدآبادی، نبش خیابان ۷۲، ساختمان ۵۲۲، طبقه سوم، واحد ۱۵، شرکت سیمان فارس نو، تلفن: ۸۸۰۵۲۳۴۶-۰۲۱

قابل ذکر است هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.

شرکت سیمان فارس نو (سهامی عام)

مزایده عمومی شماره ۸۷/۳۰۳

بانک ملت در نظر دارد املاک ذیل را از طریق برگزاری مزایده عمومی به فروش رساند. لذا متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد شرکت در مزایده از تاریخ ۸۷/۲/۲۳ لغایت ۸۷/۳/۲ به آدرس تهران، خیابان طالقانی، روبروی وزارت نفت، اداره کل مهندسی ساختمان، طبقه پنجم، اداره معاملات ساختمانی مراجعه نمایند.

ردیف	نشانی	نوع ملک	کاربری	عرصه	اعیان	قیمت پایه به ریال	توضیحات
۱	سیدخندان، خیابان شهید کابلی، کوچه شهید محسن آگاهی، پلاک ۳۰، پلاک ثبتی ۴۷/۱۱۷۳۵ طبقه اول، سمت جنوب	آپارتمان	مسکونی	بقدر السهم	۶۹/۴۱ مترمربع انباری = ۱۱/۴۵ مترمربع	۱/۳۹۰/۰۰۰/۰۰۰	
۲	سیدخندان، خیابان شهید کابلی، کوچه شهید محسن آگاهی، پلاک ۳۰، پلاک ثبتی ۴۷/ ۵۱۱ ۵۳۳ طبقه دوم، سمت جنوب	آپارتمان	مسکونی	بقدر السهم	۶۹/۴۱ مترمربع انباری = ۱۱/۲۱ مترمربع	۱/۲۸۰/۰۰۰/۰۰۰	
۳	خیابان جمهوری اسلامی، چهارراه اسلامبول، بخشی از پلاک ثبتی ۲۶۳ ، ۲۷۱۰ ، ۲۵۹ الی ۲۶۶	ساختمان نیمه مخروبه	هتل	بقدر السهم	حدود ۵۰۰ مترمربع	۲۱/۶۵۰/۰۰۰/۰۰۰	ملک به صورت مشاعی است و بانک صادرات به فروش مالکیت را مرو هتل به مساحت ۱۴۶ مترمربع، مالکیت و سرقفلی فوقانی به مساحت ۲۲۵ مترمربع و مالکیت مغازه شماره ۲۵۹ (مغازه مسرافی) با وضع موجود می‌باشد. انتقال سند با وکالتنامه صورت خواهد پذیرفت با محفوظ ماندن حقوق ارتفاقی طبقات فوقانی پلاک‌های ۲۶۰ ، ۲۶۱ ، ۲۶۲
۴	بلوار کشاورز، مقابل بیمارستان ساسان، پلاک ۱۰۴	مغازه	تجاری	بقدر السهم	۱۴۲ مترمربع	۹/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰	
۵	تهران، خیابان ولیعصر، چهارراه مختاری، نبش کوچه جنابی، طبقه فوقانی شعبه قدیمی بانک ملت	آپارتمان	مسکونی	بقدر السهم	۹۰/۱۰ مترمربع	۱/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰	

اداره کل مهندسی ساختمان
اداره معاملات ساختمانی

آگهی مناقصه

نوبت اول

شرکت ملی صنایع مس ایران در نظر دارد اصلاحات سیستم ساپورتینگ کانال های تهویه سالن الکترولیز پالایشگاه مجتمع مس سرچشمه را از طریق مناقصه به شرکت یا مؤسسه دارای صلاحیت که در این زمینه فعالیت دارد واگذار نماید.

لطفاً جهت اطلاع از شرایط و ضوابط مرتبط با موضوع آگهی به وب سایت شرکت مس www.nicico.com مراجعه و مطابق شرایط مندرج در آن اقدام نمایید.

روابط عمومی شرکت ملی صنایع مس ایران

آگهی مناقصه عمومی

نوبت دوم

شهرداری کمال شهر

پروژه‌های شماره: ۳۰۳۰۱۰۰۰۲۸ و ۳۰۳۰۱۰۰۰۲۹

شهرداری کمال شهر در نظر دارد بر اساس بودجه مصوب سال ۱۳۸۷ اجرای جدول‌گذاری تعدادی از معابر کمال شهر را با سقف ریالی ۱،۳۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (یک میلیارد و چهارصد میلیون ریال) به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا از متقاضیان دعوت می‌گردد با رعایت موارد ذیل ظرف مدت ۱۰ روز پس از آگهی نوبت دوم از ساعت ۹ تا ۱۴ به آدرس شهرستان کرج، کمال شهر، شهرداری کمال شهر مراجعه و اسناد شرکت در مناقصه را از واحد امور مالی دریافت نمایند.

۱- ۵٪ سقف ریالی پروژه بابت سپرده شرکت در مناقصه به یکی از صور ذیل به شهرداری تسلیم گردد:

الف- واریز به حساب شهرداری ب- ضمانتنامه بانکی معتبر

ج- چک بانکی تضمینی

۲- پیمانکار می‌بایست دارای رتبه‌بندی از معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی) یا وزارت راه و ترابری باشد.

۳- تحویل اسناد مناقصه پس از تأیید واحد ارزیابی فنی پیمانکاران در قبال ارائه اصل رسید واریز مبلغ ۲۰۰،۰۰۰ ریال به حساب شماره ۹۰۰۰۲ بانک ملی کمال شهر انجام می‌پذیرد.

۴- شهرداری در رد و یا قبول پیشنهادات مختار است.

۵- هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

محمدتقی عبداللهی-شهردار کمال شهر

آگهی مزایده اقلام بلااستفاده و ضایعاتی

نوبت اول

شرکت آب و فاضلاب شهری استان سمنان در نظر دارد اقلام بلااستفاده و ضایعاتی را با شرایط ذیل به فروش برساند.

۱- محل دریافت اسناد سمنان، بلوار بسیج، روبروی استادیاری، امور قراردادهای شرکت آب و فاضلاب سمنان و همچنین سایت‌های اینترنتی HTTP.WWW.SWW.IR و WWW.NWW.CO.IR می‌باشد.

۲- زمان دریافت اسناد مزایده و بازدید از اموال مذکور در ساعت‌های اداری از مورخ ۸۷/۲/۲۵ تا مورخ ۸۷/۲/۳۰ در محل‌های تعیین شده در اسناد مزایده می‌باشد. ضمناً آخرین مهلت تحویل پیشنهاد ساعت ۱۳ روز شنبه مورخ ۸۷/۳/۱ می‌باشد.

۳- محل تحویل اسناد مزایده دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب استان سمنان می‌باشد.

۴- زمان بازگشایی اسناد مزایده ساعت ۱۱ صبح روز یکشنبه مورخ ۸۷/۳/۲ و در محل امور قراردادها می‌باشد.

۵- مبلغ تضمین شرکت در مزایده به شرح جدول مندرج در اسناد مزایده می‌باشد که مزایده‌گر باید آن را به صورت واریز وجه به حساب شماره ۲۳۶۴۶۱۰۱۵ نزد بانک ملت (جام) تهیه و تسلیم نماید. به پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده‌های مخدوش، سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۶- سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مزایده آمده است. ضمناً هزینه خرید اسناد مزایده مبلغ پنجاه هزار ریال بوده که می‌بایست به حساب فوق‌الذکر به صورت نقدی واریز گردد.

۷- به پیشنهادهای فاقد امضاء مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضاء مدت مقرر در فراخوان واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۸- کلیه هزینه‌های درج دو نوبت آگهی در روزنامه‌ها و هزینه کارشناسی و سایر هزینه‌ها طبق اسناد مزایده به عهده برنده یا برندگان مزایده به نسبت مبلغ معامله می‌باشد.

(تلفن تماس: ۲۰-۴۴۳۴۹۴۷-۰۲۳۱ داخلی ۱۲۴ و ۴۳۶)

روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب شهری استان سمنان